

عجایب فوتبال ما!؟

راهیابی به جام جهانی بدون تک ماده و تبصره

می‌افتد و کار را زمین می‌گذارند. در ورزش و فوتبال ما، بجای همه چیز مدیر خود ساخته و خود شیفته داریم، مدیران محترمی که از پرفنداق مدیر بوده‌اند و فقط بالا دستی‌ها این موجودات

استثنایی را کشف کرده‌اند، مدیرانی

که هنرشان بیشتر شاه مطی بازی

است و فقط می‌توانند، گناه را به

گردن دیگران بیندازند. مثلا اون

بنده خدایی که اسکناس جعل کرد

و گرفتن به زندان‌اش انداختند،

هم بندی‌ها پرسیدند. چطوری

فهمیدند که اسکناس جعلی است

که در جواب گفت: من هفت تومنی

چاپ کردم. بازیکن تازه از ولایت

رسیده‌ار رنگ کردن و یک قراردادی

با او تنظیم کردند و به او گفتن که

بگو این قرارداد را زودتر از قرارداد،

فلان نوشته‌ام و انگار که تاریخ قراردادها را درست

نکرده بودند و اینطوری شد که مچ‌اشان باز و قضیه

ماست مالی لو رفت. البته ما این امکان را داریم که

از این دست مدیران تامی توانیم به دنیا صادر کنیم.

چهار تا از این‌ها را به این کشورهای حاشیه خلیج

فارس بفرستیم میزان نابودی‌اشان از هر بمبی و

موشکی و پراپدی بیشتر است. واقعا وقتی ما با این

مدیران نابغه می‌توانیم بعضی

وقت‌ها آن را ببریم، واقعا

شاهکار کرده‌ایم و از این بابت

باید ممنون بازیکنان و مربیان

خود باشیم.

یادمون رفته، تمام

خدایان یونان را به

کمک می‌طلبیدیم

و چنان نصف‌العمر

می‌شدیم که

بازی‌های جام جهانی

را نمی‌دیدیم و

فشارمون دایم، در

نوسان بود و انگار که

ماموریت بالاتر از

خطر انجام دادیم

خطر انجام دادیم

به این‌ها بازییم. خدا آخر عاقبت همه این معترضین را ختم به خیر کند. ما در مملکتی

زندگی می‌کنیم که باد به پرچم جادو گرما می‌خورد، از علی‌خان کریمی جادوگر سابق

گرفته تا جادوگری که پشت دروازه سپاه جامگان می‌نشیند و تصاویر ماورایی می‌کشد و

عجیب‌تر اینکه بسیاری از مربیان با دانش ما پذیرفته‌اند که هنر این خرچنگ قورباغه‌ها

که روی کاغذهای پاره می‌آید از هنر آن‌ها در مربیگری بیشتر است. ما در مملکتی

زندگی می‌کنیم که هیچکس در ورزش‌اش، به درستی تکلیف خود را نمی‌داند، مثلا

کشتی‌گیرش هنوز نمی‌داند که برای بردن باید تمرین کند یا برای

باختن. این بنده خداها نمی‌دانند، برای باختن باید چگونه بدنسازی

کنند و اسیر چه فن‌هایی بشوند ما در فوتبالمان، تیم‌هایی داریم که در دنیای حرفه‌ای با

تکنولوژی باد کار می‌کنند، بدون دریافت دیناری می‌توانند یک نیم‌فصل را با موفقیت

پشت‌سر بگذرانند و بدون کوچکترین لغزشی و اعتراضی، باد هوا بخورند و امتیاز بگیرند،

اما این دوام ندارد و هنوز نتوانسته‌ایم به یک تکنولوژی پیشرفته دست‌رسی پیدا کنیم که

بازیکنان بتوانند در هر دو فصل موفق و بدون نق زدن پیش بروند. تا وقتی نفهمیده‌اند

که پولی در کار نیست فقط با جادوی مدیران خال باز یک نیم‌فصل خوب را پشت سر

بگذارند، در نیم‌فصل دوم که می‌فهمند، بعضی تیم‌ها پول می‌گیرند تازه دوزاری‌شان

با بهره‌گیری از تکنولوژی عمده‌ها از تیم‌های قطری تا می‌توانستند، گل خوردند و یک

جورهایی جواب حضرات بدون درد و خونریزی داده شد. ما چه به جام جهانی برویم و چه

نرویم، کلا دنبال این هستیم که به یک شکلی مغلطه کنیم و بگوئیم بابا این یارواز فک و

فامیلاش استفاده کرده و ما قبلا هم به جام جهانی رفته بودیم. غافل از اینکه یادمون رفته،

تمام خدایان یونان را به کمک می‌طلبیدیم و چنان نصف‌العمر می‌شدیم که بازی‌های

جام جهانی را نمی‌دیدیم و فشارمون دایم، در نوسان بود و انگار که ماموریت بالاتر از خطر

انجام داده بودیم. اصولا ما عادت به تعریف کردن نداریم، که آستانه تیم ملی سوار یک

موج شده‌ایم تا زمین و زمان را جلوی تیم ملی قرار دهیم و فردا که این طفل معصوم‌ها در

برابر رقبای گردن کلفت خود، دست از پا خطا کردن، بر سر و کله‌شان همه چیز را خراب

کنیم و فریاد برآوریم که مثلا این غضنفر ما چه چیزی کمتر از مثلا

رونالدو دارد، او مگر دو تا پا، دو تا دست و یک کله بیشتر دارد، چرا ما باید

به این‌ها بازییم. خدا آخر عاقبت همه این معترضین را ختم به خیر کند. ما در مملکتی

زندگی می‌کنیم که باد به پرچم جادو گرما می‌خورد، از علی‌خان کریمی جادوگر سابق

گرفته تا جادوگری که پشت دروازه سپاه جامگان می‌نشیند و تصاویر ماورایی می‌کشد و

عجیب‌تر اینکه بسیاری از مربیان با دانش ما پذیرفته‌اند که هنر این خرچنگ قورباغه‌ها

که روی کاغذهای پاره می‌آید از هنر آن‌ها در مربیگری بیشتر است. ما در مملکتی

زندگی می‌کنیم که هیچکس در ورزش‌اش، به درستی تکلیف خود را نمی‌داند، مثلا

کشتی‌گیرش هنوز نمی‌داند که برای بردن باید تمرین کند یا برای

باختن. این بنده خداها نمی‌دانند، برای باختن باید چگونه بدنسازی

کنند و اسیر چه فن‌هایی بشوند ما در فوتبالمان، تیم‌هایی داریم که در دنیای حرفه‌ای با

تکنولوژی باد کار می‌کنند، بدون دریافت دیناری می‌توانند یک نیم‌فصل را با موفقیت

پشت‌سر بگذرانند و بدون کوچکترین لغزشی و اعتراضی، باد هوا بخورند و امتیاز بگیرند،

اما این دوام ندارد و هنوز نتوانسته‌ایم به یک تکنولوژی پیشرفته دست‌رسی پیدا کنیم که

بازیکنان بتوانند در هر دو فصل موفق و بدون نق زدن پیش بروند. تا وقتی نفهمیده‌اند

که پولی در کار نیست فقط با جادوی مدیران خال باز یک نیم‌فصل خوب را پشت سر

بگذارند، در نیم‌فصل دوم که می‌فهمند، بعضی تیم‌ها پول می‌گیرند تازه دوزاری‌شان

ابتدا یاد کنیم، از آدم‌های وفاداری که به طور کلی

نسبت به همه چیز واکنش دارند. برای این آدم‌ها

فرقی نمی‌کند که کجا چه خبره و چه مناسبتی

با حرفه آنها داره، هر اتفاقی بیفته این حضرات

پای کارند، از تشییع جنازه فلان هنرپیشه گرفته

تا اعتراض بازیکنان تا مین اجتماعی و بست

نشستن، آن جناب رئیس جمهور اسبق...

کلاما آدم‌ها، دوست داریم همه اتفاق‌ها رو به جور

دیگه ببینیم، مثلا اگر تیم ملی

مملکتمان به جام جهانی راه پیدا

نکنه، از آبدارچی فدراسیون گرفته

تا رئیس سازمان گوشت را به چهار

میخ می‌کشیم.

معمولا در تمام شکست‌ها دنبال

یک مقصر می‌گردیم حالا بزنه

و تیم ملی مملکتمون برخلاف

گذشته بدون استفاده از تک ماده

و بدون هل و بدون تبصره... به جام

جهانی راه پیدا کنه...

همه دنبال این افتادیم که بابا این صعودها که

چیزی نیست، این همه بازیکن را دست عمه

مکرمه ما هم می‌دادند بدون باخت با شرایط بهتر

به جام جهانی می‌رفت البته که خرج کردن از عمه

در مملکت ما، رایج‌ترین راه کار است و چیزی

نگذشت که تیم‌های ما در جام باشگاهی آسیا

